

# سفری به سواحل مکران

شهلا نیرومند

دبیر جغرافیای بروجرد

به دلیل وجود مطالبی اندک، گذرا و ناکافی در خصوص سواحل مکران و کوه‌های مریخی، جنگل‌های حرا و ... در کتاب جغرافیای دهم، می‌خواستم این پدیده‌ها را از نزدیک مشاهده کنم تا علاوه بر ارضای حس کنجکاوی خود، فراتر از آنچه در کتاب آمده است برای دانش‌آموزانم حرف‌ها و مطالب تازه داشته باشم. سفری در تاریخ ۲۱ تا ۲۵ آذرماه ۹۶ به این خطه، یعنی سواحل مکران داشتیم که حاصل آن گزارش حاضر به همراه تصاویر، صوت‌ها و کلیپ‌های متعدد است که تقدیم حضورتان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جغرافیا، گردشگری، سواحل مکران، دریای عمان

تکلیف هفت‌همایی



## محدوده جغرافیایی

### سواحل مکران

مکران، مکران و مکران در کل به سرزمینی ساحلی در جنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان اطلاق می‌شود که از جاسک تا جنوب غربی ایالت بلوچستان پاکستان گسترده شده است.

سواحل مکران در ایران از محدوده جاسک (هرمزگان) تا خلیج گواتر (سیستان و بلوچستان) بوده و به موازات دریای عمان واقع شده است.

اما سواحل مکران مربوط به استان سیستان و بلوچستان، از زراباد در کنارک شروع و تا خلیج گواتر نقطه صفر مرزی ایران و پاکستان با داشتن حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی ادامه دارد. این محدوده دارای بیش از ۲۰۰ جاذبه بکر، نظیر جاذبه‌های طبیعی، تاریخی، جانوری و روستاها و بنادر صیادی، مانند زراباد، پزم، کنارک، چابهار، تیس، رمین، بریس و پسابندر و نیز خلیج گواتر است. سواحل مکران در واقع دروازه طلایی به سمت آب‌های بین‌المللی اقیانوس هند است.

### بندر چابهار

فاصله زمینی تهران تا چابهار از طریق جاده ایران‌شهر به کرمان ۱۹۶۱ کیلومتر است که ما با حدود ۱۴۰ دقیقه پرواز از تهران به فرودگاه کنارک در کرانه غربی خلیج چابهار وارد این بندر شدیم. مسیر جاده کنارک به چابهار خشک و برهوت است و خبری از کشت و زرع نیست و به جز شتر، گاو و گوسفند در این بیابان ندیدم. گیاه غالب آن درختچه چتری کهور با ارتفاع تقریبی ۶ تا ۱۰ متر است که با آب‌وهوای گرمسیری و خشک منطقه تناسب دارد. چابهار، این سرزمین ناشناخته با سواحل نیلگون و آرام، دیده به سوی اقیانوس می‌گشاید. هر سو که بنگریم با پدیده‌های متفاوت از زیبایی‌های شگفت‌انگیز طبیعی و تاریخی مواجه خواهیم شد و البته با مردمانی مهربان و دوست‌داشتنی و مهمان‌نواز.

بندر چابهار در سواحل مکران و در فاصله ۶۴۵ کیلومتری جنوب زاهدان (مرکز استان سیستان و بلوچستان) قرار دارد. این بندر با ۷ متر ارتفاع از سطح دریا، از شرق بعد از طی ده‌ها کیلومتر با کشور پاکستان، از غرب با خلیج چابهار و بندر کنارک و از جنوب با دریای عمان هم‌مرز است.

در نگاه اول، قسمت قدیمی و مرکزی شهر به نسبت کوچک و با معماری سنتی در مقایسه با دیگر شهرهای ساحلی جنوب ایران مثل بندرعباس و بوشهر خیلی پیشرفته نیست، اما بخش جدید و به خصوص منطقه آزاد آن که بیشتر از ۶ تا ۷ دقیقه با تاکسی تا مرکز شهر

فاصله ندارد، با خیابان‌های وسیع که گویی تا سالیان سال برای توسعه فیزیکی جا دارد. متفاوت به نظر می‌رسد.

صنایع دستی بندر چابهار اغلب شامل سکه‌دوزی، سوزن‌دوزی، معرق‌صدف، زری‌دوزی، آیینه‌کاری و طلاسازی است.

انواع لوازم برقی و آرایشی، شکلات، ادویه‌های غذایی و پارچه‌های نخی و ابریشمی هندی و پاکستانی به‌وفور در مغازه‌ها دیده می‌شود.

### وجه تسمیه چابهار

چابهار معانی، متعددی دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. چابهار: در زمان‌های قدیم افرادی که مسافر بودند، با خودشان بار داشتند و زمان وارد شدن به بندر به زبان بلوچی از آن‌ها می‌پرسیدند: چابهار؟ یعنی «چه باری داری؟» یا به عبارت بهتر، «بارت چیست؟»  
۲. چابهار در کنار آب دریای شور عمان قرار داشته و بدین جهت چاه‌های آب زیادی حفر می‌کردند و چابهار به معنای «چاه فراوان» بوده است.

۳. به دلیل واقع شدن در کنار اقیانوس هند و متأثر از بادهای موسمی (مونسون) آب‌وهوای منطقه، تابستان و زمستان را تعدیل می‌کند. به طوری که تابستان‌ها از اوایل تیر تا شهریورماه که بادهای موسمی تابستانه از اقیانوس هند می‌وزد، در مردادماه هوا ابری و نسبت به دیگر شهرهای جنوبی خنک‌تر است (دما بین ۳۰ تا ۳۴ درجه سانتی‌گراد) و هوای شهر چابهار در تابستان حتی خنک‌تر از تهران است. اما از ۱۵ آذر تا حدود اواخر بهمن‌ماه که موسمی زمستانه است، سرما حاکم نمی‌شود و دما اغلب به حدود ۱۴ تا ۱۶ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. در نتیجه فصول چهارگانه به فصل بهار شبیه و منطقه به «چهاربهار» معروف و به تدریج به چابهار تغییر شکل داده است و امروزه بیشتر این وجه تسمیه مورد پذیرش است. این شهر همان‌طور که از اسمش پیداست در تمام فصول سال زیباست و می‌تواند پذیرای گردشگران بسیاری از تمام نقاط ایران باشد.

### خلیج چابهار

خلیج چابهار بزرگ‌ترین و زیباترین خلیج طبیعی است که در حاشیه کرانه دریای عمان واقع است. این خلیج به شکل حلقه‌ای یا «یوانگلیسی» برگشته (۸) است. طول خلیج ۱۷ کیلومتر، عرض آن ۲۰ کیلومتر و عمق آن نیز ۲۰ متر است.

در نقطه آغاز شرقی این خلیج، بندر چابهار و در نقطه غربی آن دماغه پزم و بندر کنارک قرار گرفته است و جاده‌ای آسفالتی که محیط این خلیج را دور می‌زند و این دو شهر را به هم متصل می‌کند. خلیج چابهار حاصل ترکیب دریا، زمین و آفتاب درخشان است که به نظر، زیباترین جلوه‌گاه طلوع و غروب خورشید در دریاست.

### منطقه آزاد تجاری - صنعتی چابهار

منطقه آزاد چابهار از اوایل دهه ۷۰ در کنار بندر



چابهار و در پیرامون دریای عمان و اقیانوس هند شکل گرفت.

مساحت منطقه آزاد حدود ۱۴ هزار هکتار و در ۵ کیلومتری شرق خلیج چابهار (بزرگ‌ترین خلیج ایران با بریدگی طبیعی و استثنایی) واقع شده است. این منطقه جزئی از شهرستان چابهار، واقع در استان سیستان و بلوچستان است که از طریق شهرستان ایرانشهر و پس از عبور از استان خراسان جنوبی به افغانستان و پس از گذشتن از خراسان شمالی به کشورهای آسیای میانه و از شرق از طریق شهرستان چابهار به کشور پاکستان و آبراهه‌های بین‌المللی، آفریقا و شرق آسیا و اروپا و دریای مدیترانه راه دارد.

وجود آب و هوا و رطوبت نسبی مناسب و امکان فعالیت در تمامی فصول سال، دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد، دوری از منطقه شلوغ و پرتردد خلیج فارس و عدم آسیب‌پذیری در مواقع بروز بحران، موقعیت استراتژیکی را برای ایجاد یک گذرگاه ارتباطی بین کشورهای آسیای میانه و سایر کشورهای جهان فراهم آورده است. یکی دیگر از ویژگی‌های منطقه آزاد چابهار، برخورداری از معافیت بر درآمد و دارایی و بسیاری مزایای گمرکی و بازرگانی و سرمایه‌ای است.

### تالاب لیپار (دریاچه صورتی)

در مسیر جاده ساحلی چابهار - گواتر و ۱۰ کیلومتری شرق چابهار و قبل از رسیدن به کوه‌های مریخی در تنگه‌های صخره‌ای و بین دو کوه نزدیک به هم، دره‌ای سرسبز و زیبا و دریایی با وسعتی حدود ۱۰ هکتار که آب‌های سرگردان اطراف را در خود جمع می‌کند به نام تالاب لیپار با همان دریاچه صورتی، خودنمایی می‌کند. دشتی در کنار این تالاب قرار دارد که اهالی منطقه به آن «دشتار» یا عروس چابهار می‌گویند.

در زبان بلوچی دشتار به معنی دختران جوانی است که نامزد هستند و هنوز ازدواج نکرده‌اند. وجه تسمیه این منطقه هم به این نام، درختان سرسبز و جوانی است که در آن وجود دارد. راهنما لیپار را اینگونه معنا کرد:

«لیپ» در زبان بلوچی به معنای خار و خاشاک و «ار» به معنای آب رودخانه است. یعنی در این روستا آب رودخانه همراه با خار و خاشاک به آب دریا می‌ریزد.

تالاب لیپار به دریاچه صورتی هم شهرت دارد و جزء شورترین آبگیرهای جهان است. رنگ صورتی آن محصول فعالیت نوعی فیتوپلانکتون‌های گیاهی است. به طوری که وقتی شوری آب زیاد می‌شود این فیتوپلانکتون‌ها رشد می‌کنند. آب دریاچه صورتی پررنگ و برعکس، زمان بارندگی، شوری آب کم و رنگ صورتی آن کم‌تر می‌شود. در این منطقه آب دریای عمان به صورت ایستا و تبدیل به آبگیری برای زندگی گیاهان و جانوران شده است. انواع بوته‌ها و درختچه‌ها مانند گز و چش و گونه‌های جانورانی مانند فلامینگو، حواصیل‌های سفید و خاکستری، تپه‌و، عقاب دشتی و ... را در این تالاب می‌توان دید. با همه زیبایی‌ها گردشگران نمی‌توانند به حاشیه دریاچه نزدیک شوند. چون زیر شوره‌زارهای به‌ظاهر سفید و نمکی، لجن و باتلاق‌گونه است و افراد وقتی در آن لجن و گل فرو روند، به سختی از آن خارج می‌شوند و حتی افراد با وزن بالا را به پایین می‌کشاند. ضمناً موردی که جلب توجه می‌کرد، وجود زنان و دختران بومی

منطقه با لباس بلوچی زیبا و رنگارنگ بود که نمک‌های حاشیه دریاچه را با دست و دل‌بازی به گردشگران می‌فروختند. اینجا هم بچه‌های کار که نه با گل و آدامس فروشی و ... بلکه با فروش نمک‌های حاشیه دریاچه صورتی (به جای رفتن به مدرسه) به خانواده‌های خود کمک می‌کردند.

### درخت انجیر معابد

به فاصله کمی بعد از دریاچه صورتی در محدوده روستای رمین، یکی دیگر از جاذبه‌های گردشگری چابهار، یعنی درختی به نام انجیر معابد، واقع شده است.

بعد از حدود ۲ تا ۳ دقیقه پیاده‌روی در مسیر خاکی، در برابر دیدگان رهگذران درختی با عظمت و نسبتاً عجیب نمایان می‌شود؛ عجیب به این دلیل که زندگی این درخت غیرمعمولی و شاخه‌های آن به جای بالا رفتن رو به پایین سرازیر می‌شود و در لای‌شن‌ها ریشه می‌دواند و از همان‌جا ساقه دیگری دوباره رشد می‌کند و تنه درخت تکه‌تکه و بسیار خاص و دیدنی می‌شود. به عبارتی، ریشه‌ها با آب و خاک دست و پنجه نرم کرده و معجزه آفریده‌اند.

یکی دو نفر از بومیان منطقه توضیح دادند که اصل درخت انجیر معابد از هند شرقی است، برگ‌های پهنی دارد و هم‌زمان با فصل رسیدن خرما، میوه‌های شیرین به رنگ قرمز و نارنجی و به اندازه یک فندق و مانند انجیر می‌دهد و به مدت ۴۰ تا ۵۰ روز هم می‌توان از میوه‌های شیرین آن استفاده کرد. همچنین در تمام قسمت‌های این درخت، شیره سفیدرنگی جریان دارد که در گذشته کاربرد چسب داشته است.

نام‌گذاری این درخت به «انجیر معابد» به دلیل میوه انجیری شکل آن بوده است و نام‌های دیگر آن عبارت‌اند از:

۱. درخت کهن‌سال به دلیل عمر طولانی.
۲. «مکرزن» که در واقع تلفظ صحیح آن «مکزن» است و به دلیل ویژگی مکیدن آب توسط شاخه‌هایی که به درون زمین فرو می‌روند و در نهایت خود به یک تنه جدید تبدیل می‌شوند به این نام معروف شده است.
۳. «کَگ» به زبان بلوچی و بومیان منطقه. همچنین این درخت در هرمزگان (قشم، کیش و بندرعباس) «لور» نامیده می‌شود.

### کوه‌های مریخی (مینیا توری)

مجموعه کوه‌هایی است با ظاهر و ساختاری مخصوص و سلسله‌ای که در فاصله ۴۰ تا ۵۰ کیلومتری بعد از شهر چابهار به سمت شرق در مسیر جاده گواتر و در سمت چپ جاده به طول ده‌ها کیلومتر واقع شده‌اند. در سمت راست جاده گواتر شاهد امواج زیبا و نیلگون آب دریای عمان هستیم که یکی از زیباترین مناظرهای سفر به سواحل مکران برای گردشگران در همین مکان رقم می‌خورد. قدیمی‌ها نام این کوه‌ها را که از منطقه لیپار تا ریس کشیده شده‌اند به زبان محلی «کالانی» و «آرین (آریا)» می‌گفته‌اند.

رسوبات آهکی بقایای بدن آبزیان (سخت‌پوستان و ماهی‌ها) به همراه ماسه و خاک رس، مواد اصلی تشکیل‌دهنده این کوه‌هاست و بیانگر آن است که این کوه‌ها هزاران سال قبل در زیر آب دریای عمان



## چابهار، این سرزمین ناشناخته با سواحل نیلگون و آرام، دیده به سوی اقیانوس می‌گشاید. هر سو که بنگریم با پدیده‌ای متفاوت از زیبایی‌های شگفت‌انگیز طبیعی و تاریخی مواجه خواهیم شد و البته با مردمانی مهربان و دوست‌داشتنی و مهمان‌نواز

هستند که از وضع مالی نسبتاً خوبی برخوردارند. دو نوع شناور در اسکله بریس مشاهده می‌شود: (۱) شناورهای بزرگ که برای صیادی تا آب‌های دور و تا حدود خط استوا می‌روند. نزدیک به ۳ ماه روی آب و حدود ۱ ماه در ساحل استراحت می‌کنند و بیشتر ماهیان تن را صید می‌کنند که مستقیماً به کارخانه‌های کنسروسازی فرستاده می‌شوند. علاوه بر آن به صید کوسه‌ماهیان، سفره‌ماهی و شاه‌میگو (لابستر) که از ارزش غذایی بالایی برخوردارند، می‌پردازند و دیدن این‌ها از نزدیک برایم بسیار هیجان‌انگیز بود.

۲. شناورهای کوچک و صیادانی که صید شبانه خود را از غروب تا نزدیک صبح انجام می‌دهند و ماحصل صیدشان انواع ماهیان تازه شیر، سرخو، سنگسر، حلوی سیاه و سفید، قباد، هور، شوریده و ... است که برای مصرف روزانه مردم منطقه است.

از مهم‌ترین پتانسیل‌ها و توانمندی‌های بریس، مناظر بکر و اسکله بسیار زیبا و منحصر به فرد آن است که می‌تواند نقش مهمی در جذب و گسترش فرهنگ گردشگری و اکوتوریسم ایفا کند. خلیج گواتر مهجور و آن سوی ناکجا

بعد از گذشتن از بریس و پس‌بندر به تکه و خلیج کوچکی در صفر مرزی ایران با پاکستان در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران می‌رسیم. گواتر (Gowater) واژه‌ای بلوچی است که از ترکیب دو کلمه «گوات» به معنای باد و «تر» به معنای چرخش ساخته شده است، یعنی منطقه‌ای که بادهای چرخشی خطرناکی دارد و حتی قایق‌ها را واژگون و غرق می‌کند.

خلیج گواتر به مانند نگینی در دریای عمان و در حدود ۱۱۰ کیلومتری چابهار (حدود ۲ ساعت) از دماغه

جیوانی در پاکستان شروع و در پس‌بندر ایران به پایان می‌رسد. اگر از این خلیج به سمت غرب حرکت کنیم به بندر چابهار و اگر به سمت شرق حرکت کنیم به بندر کراچی پاکستان خواهیم رسید. اینجا بخشی از منطقه حفاظت‌شده باهوکلات است؛ منطقه سبز در کنار دریای عمان و اقیانوس هند که به خاطر جنگل‌های حرا (مانگرو)

که بخش کوچکی از اقیانوس هند است به سر برده‌اند. کوه‌های مریخی و قله‌های مدور حاصل از فرسایش از نظر زمین‌شناسی نوعی بدبوم با بدلدند (Badland) به حساب می‌آیند که نوع گل آن از رس سفید و به تناوب از لایه‌های سست و سخت تشکیل یافته‌اند و عبارت‌اند از زمین‌ها و بلندی‌هایی که در برابر بارش‌های سنگین و فرسایش به تدریج به دره‌ها و شیارهای بریده‌شده تبدیل شده‌اند.

شیارها و تراش‌های موجود روی کوه‌های رسوبی حکایت از فرسایش در طول هزاران سال دارند. ارتفاع بعضی از این کوه‌ها حدود ۴ تا ۵ متر از ارتفاع برخی حتی از ۱۰۰ متر هم بیشتر است. جنس رسوبی و فرسایش خاص کوه‌ها موجب ایجاد شیارهای زیبایی روی این کوه‌ها شده است که گویی آن‌ها را نقاشی کرده‌اند و بدین جهت، لقب کوه‌های مینیاتوری به آن‌ها داده‌اند. به دلیل اشکال عجیب و فاقد پوشش گیاهی و نوعی غیرعادی بودن از نظر گردشگران، این کوه‌ها به «کوه‌های مریخی» مشهور شده‌اند. این کوه‌ها که از منحصربه‌فردترین کوه‌های ایران است، متأسفانه به دلیل عدم معرفی کافی کمتر مورد بازدید قرار گرفته‌اند و گویا این طور که راهنما می‌گفت، تاکنون به‌عنوان یک ژئوپارک در سطح ملی در نیامده‌اند تا از این طریق حداقل نام آن‌ها در فهرست اکوتوریسم زیبا و بی‌نظیر ایران قرار گیرد.

کوه‌های زیبا و شگفت‌انگیز مریخی دارای قابلیت‌های فراوانی برای راه‌اندازی تأسیسات گردشگری هستند و دیدن آن‌ها به همه گردشگران به ویژه دبیران جغرافیا و زمین‌شناسی توصیه می‌شود.

### اسکله صیادی بندر بریس

در مسیر ۸۰ کیلومتری چابهار به سمت شرق در پشت کوه‌های مریخی و بعد از عبور جاده‌ای از بندر صیادی زمین، اسکله‌ای زیبا و رؤیایی در امتداد حاشیه ساحلی دریای عمان (سواحل بی‌نظیر و طلایی مکران) و رو به اقیانوس هند و در پای صخره‌ای کوهستانی واقع شده است. اینجا اسکله صیادی بندر بریس است که ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰ متر و حداقل عمق آن در خور ۴ متر است.

بدون شک، اسکله صیادی بندر بریس یکی از زیباترین اسکله‌های صیادی ایران است و حتی شاید بتوان گفت زیباترین آن‌ها. چشم‌انداز بندر و اسکله بریس از نزدیک و حتی دور بسیار زیبا و رؤیایی است. قایق‌های رنگی به طرز زیبا

و چشم‌نوازی در کنار اسکله بین آبی آسمان و آبی دریای عمان پهلوی گرفته و به این مکان چهره بندری داده‌اند.

ضمناً کوه‌های مریخی به راحتی از اینجا قابل مشاهده‌اند و بر زیبایی این بندر می‌افزایند.

بیشتر بومیان بریس بلوچی و ماهی‌گیران و لنج‌داران و ملوانانی



از ارزش‌های اکولوژیکی بالایی برخوردار است. نیمی از سواحل این خلیج در ایران و نیمی دیگر در پاکستان قرار دارد و به همین جهت به خلیج دو تکه ایران و پاکستان هم معروف است.

### جنگل‌های حرا در خلیج گواتر

بعد از پیمودن مسافتی حدود ۳۰ کیلومتر از بندر بریس تا گواتر در جاده و مسیری خشک و بدون پوشش گیاهی و کوه، آرام‌آرام جنگل‌های حرا به مانند نگینی در خلیج گواتر خودنمایی می‌کنند. با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی منطقه، با مأمورهای نیروی انتظامی برای رفتن به ساحل و سوار شدن قایق، هماهنگی‌های لازم انجام می‌شود و وارد خلیج گواتر با دروازه‌های رو به اقیانوس هند می‌شویم.

بعد از استان‌های هرمزگان و بوشهر، سیستان و بلوچستان سومین استان کشور است که

جنگل‌های حرا یا مانگرو یا در اصطلاح محلی «تیمر» در آن رشد می‌کنند.

در واقع درختان حرا درختچه‌هایی هستند که در مرداب‌های نواحی گرم کرانه‌های عربستان، مصر و جنوب ایران می‌رویند و در گروه گیاهان شگفت‌انگیز



شوره‌زی دریایی قرار دارند. از مشخصات بارز این درختچه‌ها آن است که روی درخت مادر رشد اولیه را پشت سر می‌گذارند و سپس نهال جوان از درخت مادر جدا می‌شود و به مرداب می‌افتد. حرا درختچه‌ای استوایی است با ارتفاع بین ۳ تا ۶ متر که در آب‌های شور زندگی می‌کند و این سازش با آب شور و شرایط نامناسب، از حرا یک گیاه استثنایی و منحصربه‌فرد ساخته است. اولین بار این درختچه‌های ویژه و شگفت‌انگیز را ابوعلی سینا مورد مطالعه قرار داد، اما در کتابش نامی به آن‌ها نداد. بعدها بیولوژیست معروف، لینه به احترام ابوعلی سینا نام آوی سینا مارینا (Avicenna marina) را به این درختچه‌ها داد.

جنگل حرا اکوسیستم جالب دارد؛ اول اینکه برخلاف دیگر گیاهان که در آب شیرین رشد می‌کنند، می‌توانند در آب شور زندگی و به حیات خودشان ادامه دهند، زیرا در ریشه این گیاهان نوعی غده‌های نمکی است که آب شور را به خودشان جذب و آب شیرین را به آوندها و دیگر قسمت‌های گیاه می‌فرستند. یکی دیگر از ویژگی‌های این درختچه‌ها آن است که هم از طریق برگ‌ها تنفس و عمل فتوسنتز را انجام می‌دهند و هم از طریق ریشه‌های هوازی که تا کنار ساحل خودشان را کشانده‌اند و فقط هنگام جزر دیده می‌شود، تنفس می‌کنند.

در اصل، جنگل حرا جزء مناطق جزرومدی است. میوه آن به شکل کپسول تخم‌مرغی است که درون آن یک دانه وجود دارد و گلدهی در دو فصل بهار و پاییز صورت می‌گیرد. متأسفانه به‌علت مرطوب بودن و چسبندگی گل‌های ساحلی، اجازه پیاده شدن از قایق به گردشگران داده نشد، اما از روی قایق حرکت خرچنگ‌ها و گلخورک‌ها به وضوح در لابه‌لای ریشه‌های هوازی درختچه‌ها در ساحل دیده می‌شد. درختچه‌های حرا برای بقای خودشان نوعی زندگی و همزیستی

مسالمت‌آمیز با دیگر موجودات مانند خرچنگ و گلخورک دارند. این موجودات قادرند با خوردن رسوبات کنار درختچه‌های حرا، ماده‌ای از خودشان دفع کنند که نوعی ماده معدنی یا کود به حساب می‌آید که برای رشد درختچه حرا مورد استفاده قرار می‌گیرد. کار دیگر این خرچنگ‌ها آن است که سوراخ‌ها و خلل و فرج‌هایی در خاک ایجاد و به اصطلاح، خاک را سست و پوک می‌کنند تا ریشه‌های هوازی حرا به راحتی شاخه‌دوانی برای رشد خود داشته باشند که به این کار در اصل نوعی شخم زیستی یا بیولوژیکی اطلاق می‌شود.

گلخورک که نوعی ماهی دوزیست است. همین کار را انجام می‌دهد و با ایجاد سوراخ‌هایی آب و هوا را به خاک می‌رساند تا درختچه حرا بتواند به رشد و حیات خود ادامه دهد. ضمناً درختچه حرا محل زیست مناسبی برای پرورش لارو ماهی و میگو و از نظر زیستی و اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، به طوری که ماهی و میگوی این منطقه فراوان است.

در دو استان دیگر هرمزگان و بوشهر، شاخ و برگ درختچه‌های حرا مورد استفاده دام قرار می‌گیرد، اما در خلیج گواتر به دلیل اینکه منطقه باهوکلالت در بالای گواتر برای تغذیه دام غنی است، دامداران کاری به شاخ و برگ این درختچه‌ها ندارند. در مقابل درختچه‌ها آشیانه پرنده‌گان بسیاری می‌شوند که زیبایی آن‌ها را دوچندان جلوه‌گر می‌سازد.

### بندر تیس

بندر «تیس» در ۵ کیلومتری شمال غربی چابهار واقع شده و یکی از بنادر مهم ایران در زمان هخامنشیان بوده است. این بندر تاریخی تقریباً در دهانه خلیج چابهار واقع شده است. در یک سوی این دهانه، بندر چابهار و در سوی دیگر بندر کنارک قرار دارد و به همین جهت در مسیر ارتباطی چابهار - کنارک واقع شده است.

بعد از ورود به بندر تیس، ابتدا از غارهای سه‌گانه آن دیدن کردیم؛ مجموعه‌ای از سه غار باستانی که در دامنه کوه شهبازبند و در ارتفاع ۲۵ متری از سطح زمین قرار گرفته‌اند.

معنای غارها روی تابلویی نوشته شده بود: «بان» در زبان بلوچی به معنای مرد صالح و خداپرست و «مسیتی» به معنای پرستشگاه است. اما در روایت دیگر «بان» به معنای ساختمان گنبدی شکل و «مسیت» به معنای مسجد یا عبادتگاه آمده است، زیرا در یکی از غارهای طبیعی مقبره فرد خداپرست و صالحی به شکل گنبد قرار گرفته که محل عبادت او بوده است. این مجموعه از یک غار طبیعی و دو غار دست‌ساز تشکیل شده است.

بعد از خروج از غارها، یکی از ساختمان‌هایی که در بدو ورود از مسافت دور خودنمایی می‌کرد، مسجد جامع تیس یا طوبی بود که بنای اولیه آن به دوران صدر اسلام برمی‌گردد و به روایتی، دومین مسجد بعد از اسلام در ایران و مربوط به اهل تسنن است. این مسجد تک‌مناره و سفید است که در نگاه اول رنگ‌ها و شکل گنبد و مناره آن با معماری دیگر مساجد ایران متفاوت به نظر می‌رسد. مسجد جامع تیس با الهام از معماری و طراحی مساجد هند و پاکستان ساخته شده است.

### باغ الگویی گرمسیری آبکان - چابهار

این باغ در شمال غربی چابهار و کمی بعد از

روستای تیس قرار دارد و جزء منطقه آزاد چابهار به حساب می‌آید. ابتدای ورود به این باغ، تابلویی که نام درختان روی آن نوشته شده بود، به چشم می‌خورد. درختار گرمسیری مانند: گواوا (زیتون محلی)، نارگیل، جمبولان، چیکو، انبه، خرزۀ درختی (پاپایا) و ... بعد از ورود به باغ، با مجموعه‌ای از درختان گرمسیری و زیبای استوایی روبرو شدم. سپس راهنما توضیح داد که از سال ۷۸ بیشتر درختان غیربومی این مجموعه از هند آورده شده‌اند و در اصل، باغی مصنوعی است نزدیک به ۲ هکتار که امروزه به‌عنوان مرکز سیاحتی و گردشگری برای بازدید گردشگران استفاده می‌شود. اعتدال هوا در زمستان شرایط مناسبی را برای کاشت این گونه محصولات گرمسیری فراهم آورده است و علاوه بر این، امکان برداشت دو بار محصول در سال نیز مهیاست. در اینجا برای آشنایی بیشتر به معرفی چند درخت و میوه از این باغ بسنده می‌شود:

### درخت بیدام

درختی گرمسیری و بومی جنوب آسیا (هند و بنگلادش) است. این میوه ابتدا کال و سبز و سپس به رنگ قرمز و مایل به قهوه‌ای درمی‌آید. شبیه بادام درختی خودمان است. اما با رنگی متفاوت و مغزی بزرگ و طعمی گس‌مانند که در چابهار به بادام محلی معروف است. گفتمنی است که این درخت در استان هرمزگان لوز و گازم (زنگی) نامیده می‌شود.

### چیکو (چکو به زبان بلوچی)

درخت همیشه‌سبز گرمسیری که پوست میوه آن قهوه‌ای‌رنگ و نسبتاً شبیه به کیوی است. میوه رسیده آن نوعی شیرینی خاص دارد و اما نارس آن مانند خرمالو، طعمی گس دارد. ضمناً صمغ این درخت سفیدرنگ و بیشتر برای درست کردن آدامس به کار می‌رود.

### گواوا (زیتون محلی)

درختچه‌ای همیشه سبز و معروف به زیتون محلی و سیب در سیستان و بلوچستان است. میوه‌های شبیه گلابی با این تفاوت که دانه‌های ریز آن در تمام گوشت آن پخش شده است. میوه‌های شیرین و بسیار خوش طعم و عطر با رنگ‌های سبز، قرمز و زرد. اگرچه این میوه در شمال ایران هم می‌روید اما در بین خانوارهای ایرانی، مصرف کمتری نسبت به دیگر میوه‌ها دارد.

### جمبولان

این درخت همیشه سبز گرمسیری و بومی هند و سریلانکا است. میوه آن شبیه زغال‌اخته است و هسته‌ای نرم دارد. میوه‌های سرشار از آنتی‌اکسیدان که علاوه بر تازه‌خوری در تهیه انواع شربت، ترشی و ژله مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنگام خروج در سمت دیگر باغ عده‌ای از آقایان بلوچ سرگرم بازی سنتی به نام «هشتی» بودند، که برای اولین بار به گوشم می‌خورد و می‌دیدم.

اسکله صیادی بندر بریس یکی از زیباترین اسکله‌های صیادی ایران است و حتی شاید بتوان گفت زیباترین آن‌ها. چشم‌انداز بندر و اسکله بریس از نزدیک و حتی

دور بسیار زیبا

و رؤیایی است

### پزم تیاب کنارک

بندر صیادی پزم تیاب در فاصله تقریباً ۱۰ کیلومتری غرب کنارک و حدود ۶۰ کیلومتری بندر چابهار و در سمت غرب خلیج چابهار واقع شده است. نام پزم برگرفته از پوزه (دماغه) کوه است که حدود ۱۴ کیلومتر به‌صورت طبیعی از کنارک تا وسط دریای عمان کشیده و چشم‌انداز زیبایی را ایجاد کرده است. این دماغه شبیه به وال یا نهنگ است.

بندر صیادی پزم تیاب بندری زیبا و در امتداد حاشیه ساحلی دریای عمان (سواحل مکران) و شبیه شبه‌جزیره است. در بندر پزم تیاب، صیادی شغل اصلی مردم این منطقه است و این را از روی ساختار فضایی بندر و انواع لنج‌ها و قایق‌ها به راحتی می‌توان فهمید. یک قسمت از ساحل این بندر بکر و رؤیایی به شکل پلاژ و ماسه‌ای است که هیچ‌گونه تأسیسات گردشگری در آن دیده نمی‌شود، اما از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بالقوه گردشگری بسیار بالا و خوبی برخوردار است. آسمان و دریایی آبی، ساحلی زیبا و آرام، پاکیزه و بدون زباله؛ انگار سال‌ها کسی گذرش به اینجا نیفتاده باشد! در واقع بندر زیبای پزم تیاب از توانمندی‌های بالقوه گردشگری تفریحی و اقتصادی خوبی برخوردار است که با ساحلی آرام و دلنشین توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سواحل مکران این خاک زرخیز، به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، تنوع آب و هوا و پدیده‌های طبیعی و تاریخی گوناگون، می‌تواند به یک منطقه نمونه گردشگری مهم در سطح منطقه و ملی تبدیل شود و با درک توان سرزمینی و بهره‌برداری به موقع از آن، درآمد سرشاری نصیب ساکنان استان و کشور کند. اما به راستی چرا این گنجینه بکر با وجود این همه توانمندی محیطی و منطقه‌ای همچنان در صدر مناطق محروم، منزوی و مغفول کشور باقی مانده است؟! جواب هر چه باشد، ولی قطعاً امید و انتظار می‌رود با مدیریت بهینه و برنامه‌ریزی درست علمی - منطقه‌ای، تقویت تبلیغات توأم با توسعه انواع زیرساخت‌ها، ایجاد همگرایی قومی، استفاده از نیروهای بومی و همسو بودن و تعامل فکری منطقه آزاد با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری منطقه، بسیاری از مشکلات این سرزمین بکر و زرخیز مرتفع و به یکی از پرجاذبه‌ترین قطب‌های گردشگری به‌خصوص پایگاه گردشگری زمستانه ایران تبدیل شود.